

گفت

محمدحسین ایمانی خوشخو، معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، از سال ۱۳۸۲ کار خود را در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آغاز کرد. او از معدود مدیرانی است که به برنامه‌ریزی بلندمدت و انجام کار پژوهشی اعتقاد و آفری دارد و همواره در طول مدیریتش بر این مسئله تأکید ویژه‌ای داشته است. اما حوزه‌های زیرمجموعه معاونت هنری و به‌خصوص حوزه تئاتر در این سال‌ها همواره یکی از چالش‌برانگیزترین حوزه‌های زیرمجموعه وی بوده است.

ایمانی خوشخو، در یکی از روزهای گرم تابستانی و درحالی‌که روند بازسازی مجموعه تئاتر شهر وارد مرحله جدیدی شده بود درباره رویدادهای تئاتر و به‌خصوص مباحث مطرح‌شده درباره شورای نظارت و ارزشیابی، پاسخ‌گوی سؤالات ما شد و از مدیران زیرمجموعه‌اش دفاع کرد.

آقای ایمانی، تالارهای نو و کوچک مجموعه تئاتر شهر، هم‌اینک تعطیل هستند. تالار کوچک از اواخر دی‌ماه و هم‌زمان با آغاز جشنواره بیست و پنجم تئاتر فجر، به تعطیلات رفت و تالار نو هم با آغاز فعالیت‌های تئاتر شهر در اردیبهشت‌ماه سال ۸۶ تعطیل و به انبار تبدیل شد. ببینید من هم قبول دارم که این تالارها برای اجرای نمایش چندان مناسب نبودند و به لحاظ رعایت استانداردها در سطح مطلوبی قرار نداشتند، اما با توجه به کمبودهای موجود و بسته به شرایط، بهتر نبود بین «بد» و «بدتر»، «بد» انتخاب می‌شد و حداقل به آن دسته از هنرمندانی که در این تالارها فعالیت می‌کردند، اجازه ادامه فعالیت داده می‌شد؟

در واقع انتخاب «بد» همین بوده که تالارها تعطیل شود. اگر به دلیل احساس نیاز به سالن، این کار انجام می‌شد، اما این احتمال هم وجود دارد که به دلیل وجود دالان‌های تنگ و تاریک و رعایت نشدن موارد ایمنی و استانداردها، اتفاقی برای تماشاگران رخ می‌داد. پس فکر می‌کنم اتفاقاً تعطیلی تئاتر شهر همان گزینه



«ممیزی»ها تشدید نشده است

گفت‌وگو با دکتر محمدحسین ایمانی خوشخو،

معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

• مهرداد ابوالقاسمی

«بد» است که انتخاب شده، نسبت به «بدتری» که امکان داشت حوادثی را رقم بزند. یعنی تا الان گزینه «بدتر» انتخاب شده بود؟

به هر حال سال‌ها در این تالارها نمایش اجرا می‌شد، حادثه یک بار پیش می‌آید. پس چرا در این سال‌ها مانع فعالیت این تالارها نشدید؟

سال‌های قبل هم، در این باره بحث وجود داشت. در مقابل ببینید در حال حاضر هنرمندان حتی به دو هفته تعطیلی تئاتر شهر راضی نیستند. حتی این وقفه‌ای هم که به وجود آمد، بحث بر این بود که تئاتر شهر برای انجام بازسازی به طور کامل تعطیل شود یا بازسازی در حین اجرای فعالیت‌های مجموعه تئاتر شهر صورت بگیرد. قبول دارم که پذیرش این تعطیلی برای هنرمندان سخت است و آنان هم حق دارند چرا که همین یک مجموعه تئاتر در تهران وجود دارد که هنرمندان در آن‌ها به فعالیت می‌پردازند و تعطیلی این مجموعه یعنی بیکاری هنرمندان. تئاتر در حقیقت همین نوع مقاومت‌ها بود که در امر بازسازی و بازنگری مجموعه تئاتر شهر تأخیر انداخت. شاید مدیران سابق هم به امر بازسازی تئاتر شهر علاقه‌مند بودند، اما اینکه چگونه تنها مجموعه تئاتری کشور از فعالیت خارج و به بازسازی سپرده شود و مجدداً فعالیتش را از سر بگیرد، سؤال بزرگی بود که سر راه آنان قرار می‌گرفت. در حال حاضر هم کار بازسازی هم‌زمان با فعالیت تئاتر شهر انجام می‌شود، مگر اینکه در برخی موارد نیاز به تعطیلی موقت تالارها احساس شود که این امر هم در ماه‌های مبارک رمضان و محرم به دلیل وجود تعطیلات رسمی انجام خواهد شد. با توجه به اینکه می‌گویید چرا قبلاً این کارها صورت نگرفته است، خوب باید در نظر داشت که به هر حال جلو ضرر را هر زمانی که بگیرید، منفعت است. به هر حال بحث بازسازی سال گذشته مطرح و در سال جدید در حال

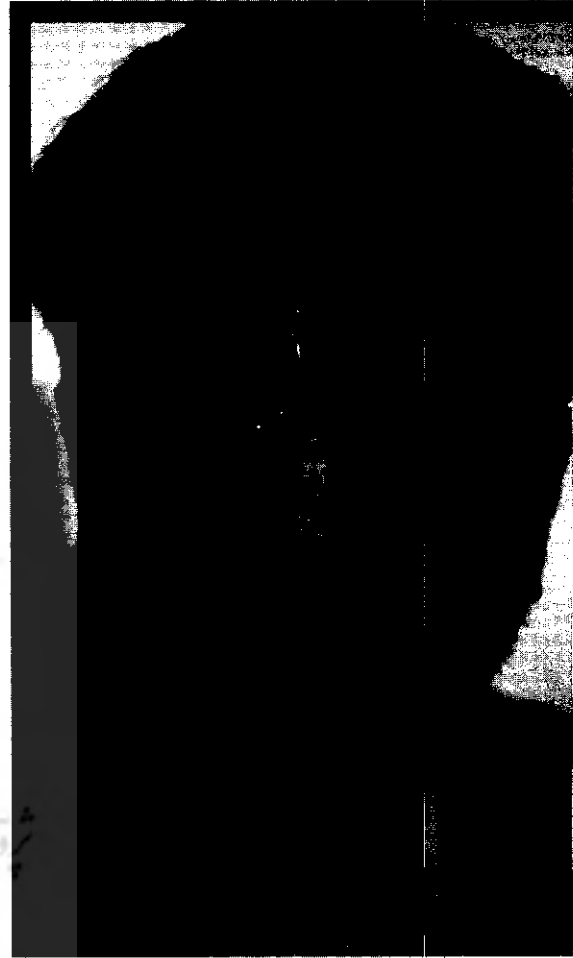
اجراست. این تالارهایی هم که شما از آن‌ها یاد کردید، یقیناً تالارهایی نبوده که از لحاظ ایمنی بتوان خیلی به آن‌ها مطمئن بود. فکر می‌کنم اگر همین چهار تا سالن پس از بازسازی از دل این مجموعه خارج شود، حداقلش این است که تماشاگر با خیال راحت به تماشای تئاتر می‌نشیند و مدیران هم بابت جلوگیری از اتفاقات ناگوار آسوده‌خاطر خواهند بود.

با تمام این گفته‌های شما موافق هستم و هیچ تردیدی در قطعیت مواردی که شما به آن‌ها اشاره کردید، وجود ندارد اما این مقوله هم باز به بحث برنامه‌ریزی بازمی‌گردد. با وجود تمام مقاومت‌هایی که به قول شما از سوی هنرمندان وجود دارد، اما دو ماه تئاتر شهر بی هیچ دلیل و اقدامی تعطیل می‌شود و هنرمندان به ناچار بیکار می‌مانند و زمانی که تعطیلات تئاتر شهر به پایان می‌رسد، دیده می‌شود که هیچ اتفاق خاصی رخ نداده است. اتفاق مهم‌تری که البته در این باره زمانی رخ می‌دهد، این است که گروه‌های متقاضی اجرا در بالاتکلیفی به سر می‌برند. در این مدت حداقل این گروه‌ها می‌توانستند تمریناتشان را پیگیری کنند و برای اجرا آماده شوند.

البته ماه فروردین را در حوزه تئاتر نباید به حساب آورد و باید ماه اردیبهشت را مد نظر قرار داد. در ضمن، بازسازی همچنان ادامه دارد و در حقیقت بازسازی، تازه شروع شده است. اگر سری به تئاتر شهر بزنید، می‌بینید که گروه بازسازی به طور موازی با اجراها مشغول فعالیت هستند. در حال حاضر گروه بازسازی به صورت چند شیفت مشغول به کار هستند و تلاش می‌کنند تا هر چه زودتر بازسازی هم به پایان برسد. در همین حال تالارها هم میزبان نمایش‌ها هستند. صدالبته که کار در این شرایط برای گروه بازسازی بسیار سخت است، اما ما به آنان گفته‌ایم این سختی را برای گروه بازسازی بپذیرند تا سالن‌ها تعطیل نشوند. مگر اینکه چاره‌ای جز تعطیلی چندروزه

تالارها وجود نداشته باشد. از هنرمندان هم درخواست می‌کنم که همکاری کنند تا تنها مجموعه تئاتری کشور به شکل شایسته‌تری در اختیار آنان قرار بگیرد. البته آنان هم می‌توانند به ما کمک کنند و برای اجراهایشان از سایر سالن‌های دولتی موجود برای فعالیت استفاده کنند، ما هم به طور قطع در این زمینه‌ها با هنرمندان همکاری‌های لازم را خواهیم داشت. در حال حاضر هم، در حال رایزنی با سازمان فرهنگی هنری شهرداری هستیم تا بلکه بتوانیم زمینه همکاری‌های بیشتر را فراهم کنیم و از سالن‌های فرهنگ‌سراهای شهرداری، در زمینه اجرای تئاتر، بهره‌برداری کنیم، با توجه به تغییرات صورت گرفته در سطح مدیریت حوزه فرهنگی هنری شهرداری، فکر می‌کنم که همکاری‌ها بیشتر خواهد شد و امیدواریم بتوانیم گروه‌های حرفه‌ای تئاتر را در این سال‌ها پخش کنیم و از تئاتر شهر هم بیشتر استفاده حرفه‌ای بشود و گروه‌های شاخص و شناخته‌شده که کارشان جنبه الگو، نمونه‌سازی و آموزش دارد، مورد استفاده قرار بگیرند.

استنباط من این است که در این سال‌ها هرگز برنامه بلندمدتی برای رشد، توسعه و گسترش تئاتر وجود نداشته است. در دوره‌ای بسته به سلیق و نظر مدیران وقت تالارهای جدید راه‌اندازی می‌شود. برای تجهیز کردن آن‌ها هزینه‌های زیادی صرف می‌شود. در بام تئاتر شهر پلاتوی تمرین احداث می‌شود که این امر هزینه‌های ساخت و ساز زیادی را تحمیل می‌کند، اما در دوره‌ای دیگر مانند الان و با تغییر مدیریت و بروز آراء و دیدگاه‌های جدید، تصمیم به تعطیلی تالارها و تخریب بناهای ساخته‌شده در بام مجموعه تئاتر شهر گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد اگر قرار باشد تئاتر به همین منوال و با همین شیوه‌های مدیریتی به راهش ادامه دهد، باید به بهره‌برداری مجدد تالارهای تالار نو و کوچک و ساخت و ساز جدید در پشت بام مجموعه تئاتر شهر



خوش‌بین و امیدوار باشیم. قبول دارید که هیچ‌گونه برنامه‌ریزی بلندمدتی در حوزه تئاتر وجود ندارد؟ تا کنون به چه راهکارهایی برای حل این مشکلات دست یافته‌اید، برنامه و سیاست‌های خاصی در این زمینه دارید؟

اگر ما نگاهی به بیست و پنج و بیست و شش سال گذشته تا امروز بیندازیم، شاید نتوانیم به یک برنامه بلندمدت برای توسعه تئاتر کشور دست پیدا کنیم. در هر دوره‌ای، مدیران در حیطه مدیریت خودشان اقداماتی را انجام داده‌اند که یقیناً نتایج مثبتی را هم دربر داشته است، بعد مدیر بعدی آمده، بخشی از کارهای مدیر قبلی را ادامه داده و برنامه‌ها و

طرح‌های جدیدی را هم ارائه کرده است. در کل، در عرصه فرهنگ و هنر ما نیازمند به یک برنامه بلندمدت هستیم که در این برنامه باید وظیفه‌های که همه دستگاه‌ها و نهادهای مختلف دارند، روشن بشود.

یک هماهنگی و وحدت رویه در کلیات باید برای همه نهادها مشخص شود و معلوم شود که دورنمای حوزه فرهنگ و هنر کجاست. باید پیش‌بینی کرد که آموزش هنر چگونه خواهد بود و استفاده از فارغ‌التحصیلان هنری، حضور هنرمندان در عرصه‌های مختلف و... به چه صورت خواهد بود. من هم با نظر شما در این زمینه موافق هستم، اما شاید انجام این امور به تنهایی توسط وزارت ارشاد امکان‌پذیر نباشد و باید این مسئله، در مرجع بالاتری مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای هنری که تمام دستگاه‌های فرهنگی هنری عضو آن هستند و تصمیم‌های آن‌ها لازم‌الاجراست، باید مطرح و دیده شود و این کار صورت بگیرد. به طور قطع اگر این اتفاق رخ دهد، بخش‌های مختلف هم، با این جریان هماهنگ می‌شوند و در همان جهت پیش می‌روند. در صورت وقوع چنین رویدادی این مشکلاتی هم که شما به آن اشاره کردید، ممکن است کمتر پیش بیاید و با تغییر مدیریت‌ها تصمیم‌ها خیلی دستخوش تغییرات گوناگون نمی‌شود تا بتوان شاهد یک حرکت هماهنگ در سال‌های آینده در حوزه فرهنگ و هنر باشیم.

درست می‌فرمایید؛ یک مدیر برای ارائه عملکرد مطلوب، بیش از هر چیز نیازمند به زمان است. هر مدیری در بدو ورود به یک نظام جدید باید تا حدی پیگیر و ادامه‌دهنده برنامه‌های مدیر قبلی باشد و در عین حال به آسیب‌شناسی مشکلات موجود بپردازد و برای آینده هم برنامه‌ها و طرح‌های مورد نظرش را به مرحله اجرا برساند، اما این فرصت در این بیست و یک ماه هرگز برای مدیران مجموعه تئاتر شهر پدیدار نشد. آنان به طور مطلوب نه موفق به پیگیری طرح‌ها و برنامه‌های قبلی شدند و در ارائه برنامه‌ها و طرح‌هایشان هم نتوانستند به توفیقی دست پیدا کنند. فکر می‌کنم در این مدت، تئاتر از بی‌ثباتی در عرصه مدیریت ضربه خورده است و باز بحث نبود برنامه‌ریزی آشکار می‌شود. قبول دارم که

مدیر تئاتر شهر مجری مصوبات و تصمیم‌های شوراها و اداره کل هنرهای نمایشی است، اما تغییر پنج شش مدیر در عرض بیست و یک ماه به هیچ عنوان قابل توجیه و دفاع نیست. بهتر نیست رویکردی جدید نسبت به این قضیه صورت بگیرد. در ادامه این روند آیا شاهد خواهیم بود که مهرداد رایانی مخصوص، مدیر جدید مجموعه تئاتر شهر، هم به زودی از عرصه مدیریت تئاتر شهر کنار خواهد رفت؟

ما باید به گونه‌ای مدیریت کلان تئاتر کشور را اداره کنیم که بر فرض مدیری مثل مهرداد رایانی مخصوص بتواند در یک دوره بلندمدت‌تری فعالیتش را در این مجموعه ادامه دهد. من هم تغییر مدیریت را قبول ندارم و مطمئنم تغییر زود هنگام مدیریت یک ضعف تلقی می‌شود. ان‌شاءالله که آقای رایانی هم با اتکا بر تجارب و انگیزه‌های بالایشان بتوانند در یک دوره بلندمدتی به مدیرتی در آن مجموعه بپردازند و بتوانند برنامه‌هایشان را در حوزه تئاتر به پیش ببرند.

به بحث تشکیل شوراها اشاره کردید. در حال حاضر در طول این مدت شاهد شکل‌گیری شوراهای متعددی بودیم. شورای انتخاب آثار، شورای راهبردی تئاتر کشور، شورای نظارت بر نمایش و... در این مدت شکل گرفته است. اینکه اداره کل هنرهای نمایشی در اداره امور تئاتری کشور، هنرمندان را دخیل کرده، اقدام مناسبی است، اما بازدهی این شوراها تا کنون بسیار ناچیز بوده و فواید مثبتی برای تئاتر دربر نداشته است. اداره کل هنرهای نمایشی در بیست و یک ماه گذشته به ارائه طرح‌های زیادی پرداخته و در این زمینه اتفاقاً اطلاع‌رسانی کاملی هم صورت گرفته است، اما طرح و برنامه‌هایی چون طرح تسویه حساب فصلی با هنرمندان، اصلاح ساختار انتخاب گروه‌های نمایش برای اعزام به جشنواره‌های بین‌المللی و... یا هرگز به مرحله اجرا نرسیده‌اند یا با نواقص زیادی روبه‌رو بوده‌اند.

بر طبق اعلام مدیر کل هنرهای نمایشی، از سال گذشته و هم‌زمان با افزایش بودجه تئاتر، مقرر شده بود تا هر سه ماه یک بار، با هنرمندان تسویه حساب صورت بگیرد، اما در حال حاضر بین شش تا نه ماه طول می‌کشد تا هنرمندان دستمزدهای خود را دریافت کنند.

البته می‌دانم که بخشی از این تأخیر و دیرکرد در پرداخت به علت دیرکرد و پرداخت نشدن بودجه تئاتر از سوی وزارت ارشاد است. این طرح‌ها و تشکیل شوراهای تا کنون تأثیر مثبتی بر روند پیکره تئاتر کشور نداشته است. خود شما با تشکیل این شوراهای موافق هستید؟

همان‌طور که گفتید، هدف از تشکیل این شوراهای، دخالت دادن هنرمندان و متخصصان در تصمیم‌گیری‌هاست. خوب این مقوله می‌تواند خیلی مثبت و خوب باشد. به جای اینکه یک مدیر به طور شخصی به تصمیم‌گیری بپردازد، در یک جمع تصمیماتی گرفته می‌شود که در آن جمع افراد مطلع و متخصص آن رشته حضور دارند. در حقیقت وظیفه شوراهای هم همین است. البته من خیلی قبول ندارم که شوراهای نقش‌چندانی در اداره تئاتر کشور نداشته‌اند. درباره انتخاب آثار و اجراها... همین شوراهای حال تصمیم‌گیری هستند. تصمیم‌های شورای راهبردی تئاتر هم در حال اجراست. در کل هر اتفاقی که در حوزه تئاتر کشور رخ می‌دهد، مبتنی بر تصمیم‌های جمعی است و به نظر من کارها هم به خوبی پیش می‌رود، ولی در ارتباط با بازدهی این شوراهای، باید دید روند تئاتر کشور چگونه است.

در مورد طرح تسویه حساب فصلی هم که به آن اشاره کردید، خوب اتفاقات خوبی در حال شکل‌گیری است. در حال حاضر که سه‌ماهه اول سال ۸۶ را پشت سر گذاشته‌ایم، با تمام هنرمندانی که در سال گذشته فعالیت کرده بودند، تسویه حساب کرده‌ایم و هیچ هنرمندی وجود ندارد که از ما طلبکار باشد و این اتفاق جدیدی در عرصه نمایش است. بیش از این و در سال‌های گذشته گاهی اوقات بین یک تا دو سال، طول می‌کشید تا هنرمندان دستمزد خود را دریافت کنند و این زمان در بهترین حالت به شش ماه تبدیل می‌شد، اما در حال حاضر دستمزدهای هنرمندان در سال ۸۵ به طور کامل پرداخت شده است و بخشی از دستمزدهای هنرمندان شما هم که در سال جدید فعالیت کرده‌اند، پرداخت شده و مابقی هم در تخصیص قرار داشته که هم‌اینک به حساب معاونت واریز شده و به‌زودی پرداخت خواهد شد.

زمانی که من به معاونت هنری آمدم،

هنرمندانی وجود داشتند که حدود سه سال بود دستمزدهای خود را دریافت نکرده بودند، اما در حال حاضر این زمان تا حد زیادی کاهش یافته است.

به هیچ عنوان منکر زحمات، تلاش‌ها و پیگیری‌های شخصی شما نیستم و مطمئنم که برای رسیدن به این شرایط سختی‌های زیادی را متقبل شده‌اید، اما درباره بحث شوراهای باید بگویم زمانی که از بیرون به این قضایا نگرسته می‌شود و در ارتباط با هنرمندان به ارزیابی و بررسی این موضوع پرداخته می‌شود، نتایج چندان امیدوارکننده نیست.

به نظر می‌رسد با اتخاذ این سیاست‌ها (تشکیل شوراهای برای انتخاب آثار) اداره کل هنرهای نمایشی هنرمندان را رودرروی یکدیگر قرار داده است. زمانی که یک هنرمند پیگیر جواب است، او را به‌سوی شورا هدایت می‌کنند و دریافت پاسخ را منوط به نظر شورا می‌دانند، ولی در عین حال، به‌وضوح دیده می‌شود که تصمیم‌ها توسط یک نفر در اداره کل هنرهای نمایشی گرفته می‌شود و شورا نقش چندان تأثیرگذاری در این زمینه ندارد. اتفاقاً روز گذشته با آقای جمشید مشایخی صحبت می‌کردم و از او درباره بازگشتش به صحنه تئاتر پرسیدم که وی گفت به‌رغم میل باطنی امکان اجرای نمایش فراهم نمی‌شود و گویا به‌صراحت به گروه اعلام شده که نمی‌توانند نمایش «دکتر نون» را روی صحنه ببرند. آقای مشایخی می‌گفت با آقای پارسایی در این باره صحبت کرده و درباره علت اجرا نشدن نمایش سؤال کرده است که آقای پارسایی این موضوع را تکذیب کرده است و گفته که خود آقای مرزبان انصرافش را از اجرای این نمایش اعلام کرده و گفته به دلیل بیماری آقای رادی قصد داریم تا نمایش «لیخند باشکوه آقای گیل» را روی صحنه ببریم. تمام این گفته‌ها در حالی مطرح می‌شود که حداقل من به‌عنوان یک خبرنگار که خیلی پیگیر قضایا هستم، می‌دانم که آقای مرزبان چقدر مُصر بود تا این نمایش را روی صحنه ببرد. حتی اواخر سال گذشته (اسفندماه) آقای مرزبان بر سر همین موضوع با اداره کل هنرهای نمایش دچار اختلاف شد و به‌شدت از نمایشنامه مورد نظرش دفاع کرد و قصد اجرای آن را داشت.

به نظر می‌رسد شوراهای گوناگون

نمی‌دانم خواسته یا ناخواسته - تا حدی هنرمندان را رودرروی هم قرار می‌دهد. فکر نمی‌کنم بروز این اختلاف در درازمدت و در آینده ثمرات مثبتی داشته باشد.

این راهی است که به نظر می‌رسد می‌تواند در این حوزه مثبت و مفید باشد. حالا ممکن است هنرمندان هم با این قضیه موافق نباشند و ترجیح بدهند تا خود مدیر درباره اجراها تصمیم‌گیری کند. من معتقدم این راه، هم چندان به صلاح نیست و هنرمندان هم با این موضوع موافق نیستند. به‌رحال تبعات برخی تصمیم‌گیری‌ها را باید پذیرفت.

زمانی که جمعی تصمیم می‌گیرند و درباره یک موضوع «آره» و «نه» گفته می‌شود، خوب این «آره» یا «نه» در بیرون هم بازتاب خواهد داشت و ممکن است کسانی هم نسبت به این قضایا انتقاداتی داشته باشند؛ دقیقاً مثل شورایی که هنرمندان را ارزیابی می‌کند، ممکن است عده‌ای هم برخی از تصمیمات این شورا را قبول نداشته باشند. من معتقدم باید سعه صدرمان را افزایش دهیم تا بتوانیم تصمیم‌ها را بپذیریم. ممکن است فردا هنرمندی که به این قضایا منتقد است، در عضویت شورا قرار بگیرد و تصمیم‌گیر شود. به‌رحال جمع‌هایی هم که در قالب شورا انتخاب می‌شوند، باتجربه و متخصص هستند، بنابراین باید اجازه داد تا این روش انتخاب شود تا اینکه گفته شود اجرای این طرح ممکن است به تشدید اختلافات منجر شود و خود مدیران باید در این زمینه‌ها تصمیم‌گیر باشند.

تبعات منفی این روش به نظر من بیشتر خواهد بود. پس بهتر است یک عقل جمعی تصمیم‌گیر باشد تا اینکه یک عقل فردی در مقام حوزه مدیریتی تصمیم‌گیر باشد. به شورای نظارت و ارزشیابی اشاره کردید، قبول دارید که در دو سال گذشته «ممیزی»ها و نظارت بر نمایش‌ها شدت یافته است. نمایش‌هایی بودند که در سال‌های گذشته و پیش از آغاز دولت نهم روی صحنه رفتند و اجرای عمومی شدند، اما همان نمایش‌ها در دو سال گذشته موفق به کسب مجوز برای اجرای مجدد نشده‌اند، چه لزومی برای تشدید این ممیزی‌ها احساس شده است؟

البته من این حرف را که «ممیزی»ها تشدید



شده است، قبول ندارم. قانون شورای نظارتی که قانون جدیدی نیست. قانونی است که حدود پانزده سال پیش توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شده و جزئیات آن هم به خوبی دیده شده است. درحقیقت این مصوبات، ملاک عمل شورای نظارت و ارزشیابی است حالا ممکن است در یک دوره‌ای کمتر به آن قانون توجه شده باشد، اما الان همان قانون در حال اجراست. من تا الان موردی را مشاهده نکرده‌ام و ندیده‌ام که نمایشی به دلیل رعایت نکردن آن موارد مردود شده باشد. بیشتر اوقات شورای نظارت، آراء اصلاحی می‌دهد. خوشبختانه هنرمندان هم این موارد را می‌پذیرند، چراکه برای اجرای یک کار هنری در هر کشوری، ملاک قانون آن کشور است. در ایران هم قانون همان دستورالعمل شورای عالی انقلاب فرهنگی است که همگان از آن اطلاع دارند و به خوبی با معیارها، قواعد و قوانین آشنا هستند حالا اگر موردی بوده که صد درصد رد شده، برای من تازگی دارد.

نمایش «عکس یادگاری» در جشنواره تئاتر فجر، در سه نوبت روی صحنه رفت و مورد استقبال هم قرار گرفت، اما امکان اجرای عمومی برای این نمایش هرگز فراهم نشد. نمونه‌های دیگری هم وجود دارد که در صورت لزوم می‌توانم از آن‌ها نام ببرم.

باید جست‌وجو کرد و دید که اشکال نمایش چه بوده است. حتماً دوستان ما در شورای نظارت و ارزشیابی مواردی را دیده‌اند و تشخیص داده‌اند که با ملاک‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی همخوانی ندارد و اگر نه بیشتر کارها با اصلاحاتی روی صحنه می‌رود و کمتر مانعی برای اجرای نمایش به وجود می‌آید.

من مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را مطالعه کرده‌ام. در آن مصوبات در بحث نظارت و ارزشیابی به مورد جالبی اشاره شده بود و استنباط من از آن مصوبات درباره هدف از تشکیل شورای نظارت و ارزشیابی، هدایت کارگردان است. شاید اسم شورای نظارت و ارزشیابی در جامعه هنری بد جا افتاده است و یک نوع نگاه منفی را در پی دارد، درحالی‌که با استناد به آن مصوبات، شورای نظارت بیشتر جنبه هدایتی دارد. در این شرایط به نظر می‌رسد شورای نظارت و ارزشیابی اداره

کل هنرهای نمایشی، از مبحث هدایت فاصله گرفته است. برای افزایش کیفیت آثار هنری، شورای نظارت نیازمند به یک رویکرد جدید است.

درباره اینکه شورای نظارت، بیشتر باید جنبه هدایتی داشته باشد، با شما موافق هستم و سیاست ما هم همین است و معتقدم که باید همین‌گونه عمل کند. وقتی هنرمندان شاخص مملکت را می‌بینم که متقاضی اجرای نمایش هستند، پس شاید از دید آن‌ها فضای کاری مطلوب وجود دارد. جدای از برخی تصمیم‌های موردی که قابل اصلاح و تذکر است، ولی روندی است که برای کسانی که در حوزه نمایش در چارچوب مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی قصد کار دارند، مانعی وجود ندارد. خوشبختانه این هوشمندی هنرمندان ماست که مخاطب‌شناسی و محیط‌شناسی هستند و در همین جهت فعالیت می‌کنند. تا الان هم مشکل جدی و خاصی سر راه فعالیت هنرمندان قرار نداشته است و در طیف‌ها و ژانرهای مختلف کارهای متفاوتی اجرا می‌شود. حالا ممکن است یک هنرمندی هم به اتفاقی معترض باشد که به شکل موردی قابل حل است، اما در روند کلی، مشکل و معضل خاصی برای فعالیت در عرصه تئاتر دیده نمی‌شود. من جدای از حوزه مدیریتی خودم به سالن‌های مختلف می‌روم و به تماشای نمایش‌ها می‌نشینم و با هنرمندان در ارتباط هستم، ولی کمتر با این مسئله که فعالیت برای هنرمندان سخت شده است، مواجه می‌شوم، اما برعکس این موضوع برای من زیاد پدید آمده است. هنرمندان زیادی به خصوص هنرمندان سینمایی به من مراجعه می‌کنند و تقاضای اجرای نمایش دارند. این نشان‌دهنده این است که فضای تئاتر، فضایی است که هنرمندان می‌توانند حرف‌هایشان را از طریق نمایش بیان کنند.

امسال قرار است فقط به سی و شش گروه نمایشی، اجرای عمومی داده شود. با توجه به دعوت‌هایی هم که صورت گرفته و با نظر به حجم بالای متقاضیان برای اجرای نمایش و امکانات سخت‌افزاری موجود، عده زیادی از هنرمندان بیکار خواهند ماند.

برای حل این مشکل باید دنبال راه‌حل‌های دیگری گشت. تا کنون با دانشگاه‌ها، وزارتخانه‌ها

و... صحبت‌های زیادی کرده‌ایم تا بلکه بتوانیم از تالارهای آن‌ها برای اجرای نمایش حرفه‌ای استفاده کنیم. من هم قبول دارم امکانات محدود، و مشکلات زیادی پیش روی هنر تئاتر است، به خصوص در تهران گروه‌های متقاضی زیادی وجود دارند، ولی تأمین امکانات برای تمام گروه‌ها واقعاً مقدور نیست.

ان شاءالله در این زمینه با شهرداری به تفاهم خواهیم رسید و از امکانات آن‌ها هم استفاده خواهیم کرد.

کارمندان تئاتر شهر، بعد از عید به مدت سه ماه، حقوقی دریافت نکردند. همچنین بودجه سال ۸۵ و ۸۶ خانه تئاتر، پرداخت نشده است. درباره حقوق کارمندان بیان این نکته ضروری است که در حوزه وزارت ارشاد قراردادهای مختلفی تعریف می‌شود. عده‌ای پروژه‌ای، عده‌ای قراردادی، عده‌ای با انجمن نمایش و معاونت هنری طرف بوده‌اند و... دولت تصمیم گرفت تا تمام این قراردادهای یک کاسه شود و کارکنان به طور مستقیم با وزارتخانه‌ها مرتبط شوند.

اجرای این مصوبه دولت، چند ماهی به طول کشید، چراکه با موانع قانونی زیادی روبه‌رو بود. در حال حاضر قرارداد ششصد کارمند با وزارت ارشاد منعقد شده و اتفاقاً آنان هم این مسئله را پذیرفته‌اند، چراکه معتقدند اگر یکی دو ماه این مسئله به طول بینجامد، اما در آینده به شکل ثابت با وزارت ارشاد قرارداد داشته باشند، بهتر است. کم‌اینکه پذیرفتن این مسئله هم تا حد زیادی برای آنان سخت خواهد بود. من هم در این سه‌ماهه هر روز به طور مستمر پیگیر این قضیه بوده‌ام.

درباره بودجه خانه تئاتر و خانه موسیقی هم حتماً می‌دانید که ردیفی در وزارتخانه تحت عنوان کمک به مؤسسات فرهنگی وجود دارد و ما هم در حال تلاش هستیم تا آن‌ها بتوانند از این ردیف به شکل ثابت حمایت مالی شوند. اگرچه در سال گذشته مشکلاتی در این زمینه وجود داشت، اما از بودجه معاونت هنری، به خانه تئاتر و موسیقی پرداخت‌هایی کرده‌ایم. حالا اگر باز هم چنین مشکلاتی وجود داشته باشد، مجبوریم به صورت علی‌الحساب از بودجه معاونت هنری میالغی را به آن‌ها پرداخت کنیم تا با مشکل مالی مواجه نشوند و بتوانند به فعالیت‌هایشان ادامه دهند.